

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزده
شهر اسن – المان
۱۸ سپتمبر ۲۰۰۹

شکوه

(۶) در المان :

{ ذ }

شکوه که با عدل و اَصالت نشست
شاخِ جهالت و ضلالت شکست
پرده اوهام ، درید و درید
ریشه تقلید ، بُرید و حَصید
وای رجب ، چاره و درمان نگر
داروی هر درد به برهان نگر
تازه جوان رخ به رجب کرد و گفت
ای که مرا گفתי مزن حرفِ مُفت
زاده مسلمانی که مؤمن شدم
راضی نبودم ، متیقن شدم
وای رجب ، چاره و درمان نگر
رازِ نهان ، گشت نمایان نگر
تا که گذشتم ز همه خیر و شر
سیری ز اسرار شدی جلوگر

پرده اوهام ، دریدن گرفت
 مژده الهام رسیدن گرفت
 وای رجب ، دارو و درمان نگر
 راز نهان ، گشت نمایان نگر
 چشم بصیرت بگشا ، سالکا
 دست بلند کرده بگو ، مالکا
 آنچه که شایسته درگاه توست
 از دل و از جان به همه آرزوست
 وای رجب ، عالم انسان نگر
 شرط شناسائی جانان نگر
 آیه چاردهم (الحُجرات)
 باعث حلال چنین مشکلات
 نیز آیات سی و چار ، و پنج
 سوره (احزاب) ، بخوان و بسنج
 وای رجب ، آیه قرآن نگر
 کافر و مؤمن ، و مسلمان نگر
 ناله تکبیر مؤذن بگوش
 آمد و ، مردم همه گشتی خموش
 بهر ادا کردن فرض نماز
 صف به صف آماده به راز و نیاز
 وای رجب ، طاعت یاران نگر
 جمعی هم از صحنه گریزان نگر

شِکوه

(۷) در افغانستان :

{ الف }

قصه درینجا نگهش دار دار
فرصتی بر این قلم بقرار
تا شنوی بارِ دگر از عجب
شکوه بسی گشت ، زیاد از رجب
ای و جب و ای رجب و ای عجب
شکوه شده ، پشتِ شما در و جب

بقیه دارد